

عوامل مؤثر در نقد و بررسی کتاب

دکتر فریبرز درودی^۱

چکیده

نقد عبارت است از مطالعه، بحث، ارزشیابی و تفسیر متن. در شیوه‌های نقد جدید، اغلب، عوامل مهم در تحلیل اثر به مباحث فکری مرتبط با روش‌ها و اهداف اشاره دارند. نقد کتاب شکلی از نقد ادبی است که ارزشیابی کتاب را بر اساس محتوا، روش و شایستگی آن انجام می‌دهد. معمولاً نقد کتاب شامل بررسی کتاب بر اساس نظر ناقد است. در واقع، نقد کتاب بر اساس مهارت‌های تحلیلی شکل می‌گیرد. ناقد عواملی را برای تحلیل اثر در نظر می‌گیرد که شامل: موقعیت نویسنده کتاب، اهمیت عنوان، تحلیل موضوعی اثر، سطح نگارش، ارتباط میان فصل‌ها، پردازش متن، استنادها، رویکردها، بررسی سوگیری، جامعیت، اعتبار و برخی عوامل دیگر می‌شود.

کلیدواژه‌ها

نقد کتاب، تحلیل انتقادی، معیارهای نقد.

مقدمه

پشتوانه استواری برخوردار است - دانش و بینش علمی سایه افکنده است. برای تدوین نقد عالمانه، همواره باید به اصول و مبانی علمی انتقاد پایبند بود. نقد، اقدامی است که ناقد می‌کوشد با تکیه بر مبانی علمی آن حوزه تخصصی، به بیان نکات مهمی در اصلاح و تهذیب متن اقدام ورزد. در دورانی که در آن زندگی می‌کنیم و با توجه به حجم عظیم نگارش‌های متعددی که در جهان انتشارات

نگارش‌های انتقادی، حیطه‌ای از فعالیت‌های تحلیلی در عرصه منابع اطلاعاتی است که در مجامع علمی از جایگاهی رفیع و ارزشمند برخوردار است. نقد منابع اطلاعاتی در دوران معاصر، فرایندی روشمند، مدون و علمی بوده که مبتنی بر مبانی روش‌شناسی علمی است. در نوشته‌های انتقادی - که آراء، اندیشه‌ها، و ایده‌های دیگران ارزشیابی می‌شود، و از

۱. دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران fardoroudi@yahoo.com

به دست ما می‌رسد، هیچ نوشته و اندیشه‌ای را فراتر از دایره ارزیابی و تحلیل نمی‌یابیم؛ زیرا هر تفکری، مجموعه برداشتها و نتایجی است که از آراء و اندیشه‌های دیگران برآمده است. در این دریافت‌های متعدد از معنا، می‌توان احتمال بروز خطا را در بیان، و یا شرح پدیده‌ها ممکن دانست. بنابراین، می‌توان با تکیه بر عوامل مهمی که در بررسی و تحلیل متن مؤثر واقع می‌شود، به نقد آثار مبادرت ورزید. در این مقاله، کوشش می‌شود تا ضمن بیان مفهوم، با بیان عناصر مهم و تأثیرگذار در فرایند نقد منابع اطلاعاتی، این پدیده مهم در عرصه علم و ادبیات تبیین شود.

مفهوم و ویژگی‌های نقد منابع اطلاعاتی

یکی از مؤلفه‌های مهم جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، پدیده تولید انفجارآمیز داده و اطلاعات است. امروزه، اطلاعات با رشدی تصاعدی در جهان تکثیر می‌شود و برای دستیابی به اطلاعات سودمند، تدابیری اتخاذ شده است تا میزان دسترسی ما را به آن افزایش دهد. اطلاعات، از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است؛ سرمایه‌ای است که امروزه اقتصاد و اجتماع جدیدی براساس آن بنا شده، تا آنجا که جهان جدید را به نام جامعه اطلاعاتی^۲ می‌شناسیم و بر همین مبنا، مشاغل اطلاعاتی، سیمای جهان نوین را دگرگون ساخته‌اند. بنابراین، بسیار اهمیت دارد که درباره صحت و درستی اطلاعات از یک‌سو، و کاربردپذیری و کارآمدی آن از سوی دیگر مطالعه و بررسی صورت گیرد.

تولید اطلاعات، همواره با پدیده نادرستی یا کم‌درستی همراه بوده است. گاهی نیز درک نامناسبی از اطلاعات صحیح صورت می‌پذیرد. همین پدیده، سبب می‌شود تا از ارزش اطلاعات کاسته شود. می‌توان بیان کرد که نقد، فرایند پالایش و اصلاح اطلاعات است. اطلاعات، در صورت خدشه‌دار شدن در جنبه‌هایی چون صحت و درستی، اعتبار، کاربرد، تأثیر، ارزش، توانمندی و اثربخشی، می‌تواند سبب خسارت و زیان‌های فراوانی در زندگی بشر شود. از همین‌رو، تلاشی وسیع در محیط‌های علمی برای سنجش و پیرایش آثار و متون علمی صورت می‌پذیرد. یکی از ابزارهای مناسب ارزشیابی اطلاعات، پدیده نقد است که سبب می‌شود تا میزان اختلال‌های اطلاعاتی کاهش یابد.

واژه نقد (سنجش) را، در برابر واژه "Criticism" (به یونانی Kritikos) به کار می‌بریم که به معنای داوری (قضاوت) کردن یا شناختن به منظور داوری کردن است. به سخن دیگر، "Criticism" هنر، فن، فراروند یا اصول داوری ادبی و آثار ادبی است. دانشی است که موضوعی عرضه شده را با اصول پذیرفته شده، یا اصول شناخته شده، مقایسه می‌کند و می‌سنجد (۴: ۹).

شاید نخستین گونه از نقد، آن باشد که در فرایند خلق شعر و نظم بروز یافته است (۸: ۹) که شامل بررسی و تحلیل اندیشه‌های آدمی در قالبی دلپذیر و زیبا بوده است. نقد سپس در سایر انواع نوشته‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. آنچه در فعالیت‌های تحلیلی و بررسی

متون بیش‌تر استفاده شده، نقد ادبی است که کاربردی وسیع در حوزه تحلیل متون دارد. برخی از عوامل مطالعه نقد ادبی (و عموماً فلسفی) بیش‌تر توسط افلاطون و ارسطو تصریح شده است (۹: ۳). و به تدریج با توسعه دانش و مهارت‌های علمی و ادبی گسترش یافته است. بررسی تاریخ نقد می‌تواند سیر تحول و تکامل فرایند نقد را به خوبی نشان دهد.

باید بیان کرد که مطالعه تاریخ نقد، محصولی از پژوهش‌های فلسفی نوین است (۷: X) که با مطالعه در آثار برخی از اندیشمندان کلاسیک چون افلاطون، ارسطو، سیسرو و هوراس، ابعاد ویژه آن بهتر مشخص خواهد شد. همچنین بررسی این روند رو به رشد در ادوار بعدی تاریخ چون دوران رنسانس و پس از آن می‌تواند سبب درک مناسب‌تری از این فعالیت علمی شود.

در واقع، نقد یک رشته علمی است که شامل تفسیر متنی، پژوهش‌های تاریخی و اندیشه نظری می‌شود. (۱۰: ۷). هر یک از زمینه‌های موضوعی آن می‌تواند به فرجه شدن بیش‌تر هسته جوهری نقد منجر شود که در جای خود قابل مطالعه و توجه است.

تادیه^۳، می‌نویسد که تأویل و تفسیر جزء متن است. تفکر نو، کوشیده است تا چند صباحی اندیشه آفریننده و اندیشه آفریده را کنار بگذارد. از نظر رولان بارت^۴ و برخی از دوستانش، دیگر مؤلفی وجود ندارد، بلکه هر چه هست متن است، که بیش‌تر به ناقدان

تعلق دارد تا به نویسنده (۳: ۹).

همچنین، باید تلاشی عمیق صورت پذیرد تا بتوانیم در نگارش انتقادی به خلق نقدی مناسب و صحیح دست یابیم. در این زمینه، ضروری است که از متون ردیف اول و نسخه‌های اصلی متن بهره گیریم و با توجه به نقدهای دیگری که درباره آن متن نوشته شده است، اطلاعات بیش‌تری درباره متن به دست آوریم. در همین خصوص، پیری^۵ بیان داشته است که سعی کنید برای نقد هر اثر، بیش از یک انتقاد از متن اولیه - که مشغول رسیدگی به آن هستید - مطالعه کنید. به قسمت‌هایی از نقدها که با یکدیگر ناسازگار است و دیدگاه‌های متفاوت را بیان می‌کند، توجه کنید نه به قسمت‌هایی که نتایج خوب را به وضوح و یک کلام نشان می‌دهد (۲: ۶۶).

معمولاً ما فرض می‌کنیم نسخه‌ای که در مقابل داریم، بدون هیچ تفاوتی با نسخه اصلی به دستمان رسیده است. اما در بسیاری از مواقع قضیه کاملاً برعکس است؛ آنچه پیش روی ماست، مقابله دقیق نسخ متعدد، تفسیرها، و حک و اصلاحات یا حدس و گمان‌هاست. و چون مطالعه روایت‌های غیردقیق هر چیزی، از نظریه‌های اقتصادی گرفته تا آثار ادبی، کاری است بی‌معنی، مگر آن‌که به قصد تعیین متن اصح صورت گیرد (یعنی متن منقح)، تصحیح متون دین بسیار بزرگی بر گردن ما دارد (۶: ۳۶). بنابراین به‌ویژه در زمینه متون کهن (کلاسیک)، بررسی و تحلیل متن تصحیح شده از اهمیت

3. Tadie

4. Roland Barthes

5. Pirie

بالاتری برخوردار است. این، نکته‌ای است که در بسیاری از نگارش‌های انتقادی مورد توجه قرار می‌گیرد. تصحیح متون، خود ارتباط مستقیم با فرایند نقد دارد، و مصحح صاحب‌نظر، خود ناقدی چیره‌دست است. از سوی دیگر، باید توجه داشت که ما در تحلیل اطلاعات همواره با برداشت خاص خود از آن روبه‌رو هستیم. این، نکته مهمی است که در نگارش‌های انتقادی حتماً باید مورد عنایت قرار گیرد. درک و برداشت ما از منابع اطلاعاتی، لزوماً با مقصود و غرض پدیدآور آن یکسان نیست. گرچه متن دارای ساختاری مدون و مشخص است، ولی هرگز برداشت‌های انسانی یکسانی از آن صورت نمی‌پذیرد. در زمینه میزان درک مفهوم در مخاطب، همواره عواملی چون هنجارها، ارزش‌ها، ادراک و شناخت دخیل هستند. بر این اساس، دریافتی که یک مخاطب از متنی واحد دارد، ممکن است متفاوت با برداشت مخاطب دیگری باشد. این پدیده، سبب شده تا به سنجش درک مخاطب در دریافت اطلاعات از متن توجه بیشتری شود. حتی در هنگام مرادده‌رو در رو ممکن است با این مورد برخورد داشته باشیم که از سخنی که با منظور مشخص ادا می‌شود، برداشتی کاملاً مغایر صورت پذیرد. زیرا در بسیاری از موارد وجود ابهام در بیان، و یا امکان برداشت معانی متفاوت از اطلاعات وجود دارد. با این حال، طرح این مورد به مفهوم آن نیست که نمی‌توان به رهیافت مشخصی در زمینه ارزشیابی متن دست یافت. فقط باید توجه

داشت که ما با فرایندی به نام نسبیّت در نقد مواجه هستیم که توجه و دقت بیش‌تر ناقد را در ارزیابی متن می‌طلبد. همچنین، باید توجه داشت که فعالیت نگارش انتقادی، مستلزم داشتن مهارت‌های نقد و مطالعه تحلیلی است. این توانایی، به راحتی به دست نمی‌آید. بر پایه توضیح فرای، نخستین کاری که ناقد ادبی باید انجام بدهد، این است که ادبیات را مطالعه کند و از حوزه فعالیت خویش بررسی استقرایی به عمل بیاورد، و اصول انتقادی‌اش را براساس شناخت خود از آن شکل بدهد. اصول انتقادی را، نمی‌توان حاضر و آماده از الهیات، فلسفه، سیاست و علم، یا ترکیبی از آن‌ها اخذ کرد (۵: ۱۹).

اصول و مبانی انتقادی با مطالعه، شناخت و بینش عمیقی که ناقد در طول سالیان کسب می‌کند، شکل می‌گیرد. بر همین اساس، می‌توان اظهار داشت که نقد منابع اطلاعاتی، کاری خطیر، دشوار و دارای مسئولیت سنگین است. توانایی ناقدان با آشنایی بیش‌تری که درباره ویژگی منابع اطلاعاتی کسب می‌کنند، افزایش پیدا می‌کند. به هر اندازه که ناقد با شیوه‌های نقد و راهبردهای تحلیلی منابع آشنائی بیش‌تری داشته باشد، می‌توان امیدوار بود که در نگارش‌های انتقادی موفق‌تر باشد.

معیارهای نقد

با توجه به نوع نقدی که به رشته تحریر درمی‌آید، و میزان تلاشی که ناقد برای بیان نقاط قوت و ضعف اثر مصروف می‌دارد، و همچنین با توجه به دیدگاه و نگرشی

که درباره نگارش انتقادی دارد، می‌توان به مؤلفه‌های مهمی در نوشتن نقد اشاره کرد. بر این مبنای، موارد اصلی و مهم در تهیه متن انتقادی مناسب برای کتاب، به شرح زیر پیشنهاد و معرفی می‌شود:

شخصیت علمی پدیدآورنده (گان)

توضیح درباره شخصیت علمی نویسنده (گان)، تحصیلات، تخصص، علایق، آثار علمی درخور توجه و زمینه فعالیت علمی در عرصه نگارش حرفه‌ای، از عناصر اصلی در نقد منابع اطلاعاتی است. یکی از عوامل مهمی که می‌توان با تکیه بر آن به نقد اثر نگارشی پرداخت، شخصیت و توان علمی نگارنده اثر است. با تکیه بر فعالیت پدیدآورنده در حوزه تخصصی موردنظر و زمینه‌های نگارش قلم وی، و سبک و سطح قلم وی، تا حد زیادی کیفیت اثر مشخص می‌شود. این عامل، در واقع یکی از مؤلفه‌های ضروری در تحلیل منبع اطلاعاتی است. از سوی دیگر، کاملاً مبرهن است که در نقد اثر علمی و یا نگارش ادبی، نمی‌توان صرفاً به اعتبار و یا توانایی‌های شناخته شده پدیدآورنده تکیه کرد؛ زیرا ممکن است که اثر نویسنده متفاوت با آثار قبلی باشد. نکته مهمی که در تبیین شخصیت علمی پدیدآورنده اثر می‌توان بیان کرد، آن است که بتوان با توجه به زمینه موضوعی پیشین و علاقه‌مندی‌های حرفه‌ای در عرصه نگارش، به بیان اهمیت و سطوح تخصصی و حرفه‌ای منبع اطلاعاتی پرداخت.

اهمیت عنوان

یکی از معیارهای مهم نقد منابع اطلاعاتی، آن است که به این پرسش پاسخی مناسب داده شود: عنوان اثر تا چه میزان بیان‌کننده مفهوم و مبحث ارائه شده است؟ از نکات کلیدی در نقد کتاب، مشخص ساختن میزان ارتباط میان عنوان با مطالب ارائه شده در متن است. اهمیت عنوان به کار رفته در اثر، براساس عنوان‌های انتخابی برای فصل‌ها^۷ و بخش‌های^۸ کتاب، به خوبی قابل بررسی است. ربط^۹ منطقی که میان عنوان کتاب و رئوس مطالب آن وجود دارد، حاکی از توجه و دقت نویسنده در نگارش اثری معتبر و کارآمد است. واضح است که عنوان نیز همچون عوامل دیگر تحلیل کتاب، می‌تواند به عنوان عاملی در بررسی‌ها مورد نظر قرار گیرد. قبل از شروع نگارش انتقادی، می‌توان به سرفصل‌ها اشاره کرد. در این تقابل سودمند، رابطه میان عنوان و متن به خوبی نمایان می‌شود. عنوان کتاب در جذب مخاطب و نفوذ در دنیای نشر، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند، همچنان که نگارش سرخط روزنامه‌ها خود نوعی فعالیت تخصصی است که موجب توجه و جذب مخاطب می‌شود. از جمله نکات ضروری در نگارش انتقادی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که چنانچه عنوان مورد استفاده صرفاً جنبه تبلیغی داشته و فروش بیش‌تر کتاب را مد نظر قرار داده باشد، در نقد باید به این شیوه اشاره شود. درباره کتاب‌های علمی، باید اظهار داشت که نویسنده کم‌تر به این

روش تکیه می‌کند. زیرا اعتبار علمی خود را با انتخاب نابجا کمرنگ می‌سازد.

بخش‌بندی اثر

توضیح توصیفی بخش‌بندی کتاب نیز با توجه به طرح کلی - که معمولاً در چارچوب بخش‌ها، فصل‌ها، و قسمت‌های مختلف ارائه شده - از عناصر مهم دیگر در نقد است. بخش‌بندی کتاب، معمولاً به شیوه‌ای متناسب انجام می‌گیرد این تناسب، با توجه به نوع نگارش متفاوت است. گاهی مطالب نویسنده، دارای وزنی متناسب در کل مجموعه کتاب است که مؤلف با تکیه بر یک نظم ساختاری در میزان فضای اختصاص داده شده به هر یک از بخش‌ها، نوعی اعتدال در پیش می‌گیرد. در اثر علمی - که از تعادل در ساختار بخش‌بندی برخوردار است - ملاحظه می‌کنیم که هم از لحاظ حجم صفحه‌ها و هم از نظر میزان توضیح‌های ارائه شده در هر فصل و یا بخش، تعادلی نسبی در میان قسمت‌های مختلف کتاب برقرار شده است. در مواردی هم بنا به موضوع مطرح شده، ممکن است توضیح مباحث براساس اهمیت هر یک از زیرمجموعه‌های ارائه شده، متفاوت باشد. تعیین شرایط و ویژگی‌های بخش‌ها و توضیح در باب تحلیل‌های ارائه شده، یکی از موارد بررسی ناقد است.

تحلیل موضوع

بررسی و تحلیل موضوع کتاب، میزان ارتباط موضوع کتاب با مبانی علمی - تخصصی رشته

موردنظر، و سنجش وضعیت اهمیت موضوع با ابعاد خاص حرفه‌ای نیز، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی کتاب به‌شمار می‌آید. موضوع کتاب در درجه نخست، براساس وضعیت علمی، در زمینه رشته‌ای که کتاب در آن حوزه به رشته تحریر درآمده، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر همین اساس، حجم درخور توجهی از متن و مفاهیم وابسته به آن باید درون محتوای تخصصی مطرح شده، و ابعاد خاص آن با مبانی و اصول پذیرفته شده در زمینه حرفه‌ای تناسب داشته باشد. حتی نوآوری‌هایی هم که در این عرصه به جامعه علمی ارائه می‌شود، تابع همین اصل است. زیرا نوآوری و ابداعات‌های نوین، خود بر مبنا و زیرساخت علمی استوار است. این مفهوم، سخن معروف نیوتن را به خاطر می‌آورد که: «اگر من از ارتفاع بالاتری بر علوم نظاره دارم، به آن دلیل است که بر شانه‌های غول‌ها ایستاده‌ام». علاوه بر فروتنی علمی نیوتن در این سخن، اهمیت تلاش‌های پیشینیان و مبانی علمی سازمان داده دانشمندان قبلی هم به‌خوبی فهمیده می‌شود. شایسته است که جایگاه موضوع و مباحث مرتبط با آن در حوزه تخصصی و علمی مربوط با منبع، مورد مذاقه قرار گیرد. پک و کوئل^۱، درباره روش مورد استفاده نویسنده در تحلیل موضوع اثر، یادآور می‌شود که درنظر داشته باشید که متون مختلف، تنها وجوه مشترک ناچیزی دارند. هدف ما پیدا کردن روش انحصاری نویسنده مورد نظر، برای ارائه این وجوه مشترک است. شیوه‌های مختلف نویسندگان، به درونمایه‌های

رایج، پیچ و تاب‌های متنوعی می‌بخشد. در متن به دنبال چارچوب گسترده‌تری بگردید و ببینید ایده اصلی و موضوع اساسی چگونه پرداخته می‌شود (۱: ۲۷۱).

سطح نگارش

توضیح درباره سطح نگارش از لحاظ تخصصی، و نیز ساختار دستوری نگارش با توجه به موضوعی که به آن پرداخته شده است، از دیگر عوامل مؤثر به‌شمار می‌رود. متون حرفه‌ای که در رشته خاصی به چاپ می‌رسد، باید با توجه به انتظاری که نویسنده در مقدمه ایجاد کرده است، رقم خورده باشد. این ویژگی، در دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی نگارش از لحاظ زبان علمی و تخصصی که پدیدآورنده در آن حوزه به تولید انتشارات دست یازیده است، و دیگر از نظر رسایی و همنوایی با مفهومی که نگارنده به آن می‌پردازد. در واقع، مباحث از نظر سطح تخصصی با معیارهای حرفه‌ای سنجیده می‌شود. زبان علمی، و سنخیت سطح نگارش با موضوع مورد بررسی، دو مقوله است که در نگارش‌های انتقادی باید مورد توجه ناقد قرار گیرد. سنجش هریک از این دو سطح، می‌تواند به‌خوبی مبین میزان تسلط صاحب اثر بر موضوعی باشد که در نگارش کتاب انتخاب کرده است.

ارتباط ساختاری میان بخش‌ها

بررسی میزان رابطه اندامگانی (ارگانیک) میان بخش‌ها و فصل‌های کتاب در راستای حفظ یکپارچگی و وحدت موضوعی و تخصصی

در سراسر کتاب نیز، عاملی دیگر در ارزشیابی کتاب محسوب می‌شود. ایجاد نظم ساختاری و برقراری پیوند میان فصل‌های مختلف کتاب، خود به ایجاد متنی متعادل یاری می‌رساند. ارتباط میان سرفصل‌ها و مطالب آن‌ها، نکته‌ای درخور توجه است. در کتاب تخصصی، لزوماً باید میان فصل‌ها و متن آن‌ها پیوندی ناگسستگی برقرار باشد. حفظ یکدستی در کلیت کتاب نیز، از همین نکته سرچشمه می‌گیرد. توازن ایجاد شده در کتاب، سبب رضایت خاطر خواننده می‌شود و او را به مطالعه کتاب ترغیب می‌کند. این هم نکته‌ای است که می‌تواند توجه ناقد را به خود جلب کند.

هسته اصلی بحث

تحلیل میزان توجه نویسنده (گان) به مبحث کلی و پرداختن به هسته اصلی موضوعی در مطالب ارائه شده نیز، در نقد کتاب مؤثر است. در منابع اطلاعاتی - که با بهره‌گیری از روش‌شناسی و به شیوه عالمانه تحریر شده - می‌توان هسته‌های اصلی مباحث را در قالب توضیح‌های ضروری و تکمیلی مشاهده کرد. پرداختن به لب اصلی محتوا و مفهوم علمی در هر اثر پژوهشی، رکن مهمی در تألیف آن به‌شمار می‌آید. به هر میزان که نویسنده از مطالب و شاخ و برگ‌های اضافی در نگارش اثر بهره گرفته باشد، می‌توان بیان کرد که امتیازهای منفی آن نیز افزایش می‌یابد. برخی از مؤلفان، از هر گونه آگاهی و اطلاعات خود در هر جا استفاده می‌کنند که این، شیوه‌ای نامناسب برای نگارش هر کتاب تخصصی شمرده می‌شود.

شیوه پردازش متن

اثر خود به اطلاعات ارزشمندی تکیه کرده است. استناد به منابع ضعیف و کم‌اهمیت از منظر علمی، اعتبار اثر را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، کاربرد بیش از حد استناد در منابع اطلاعاتی، به گونه‌ای که متن تبدیل به مرور نوشته‌های دیگران شود (مگر در صورت نگارش مرور متون با چارچوب فنی و تخصصی آن)، شائبه کتاب‌سازی یا همان حکایت معروف چسب و قیچی^{۱۴} را یادآور می‌شود.

کاربرد روش‌های اثربخش در درک متن

برخورداری متن از شیوه‌های مؤثر در درک بهینه خواننده، همچون برجسته‌سازی نکات کلیدی^{۱۵}، ارائه خلاصه‌های^{۱۶} روشمند و نظایر آن، یکی دیگر از عناصر تحلیل کتاب به‌شمار می‌آید. در بسیاری از منابع علمی، شاهد آن هستیم که نویسنده با ارائه شاخص‌های مهم در متن، به خواننده در مطالعه خود کمک می‌کند. برجسته‌سازی مطالب اصلی و مهم در متن با استفاده از شیوه‌های مختلفی چون علامت‌گذاری^{۱۷}، درشت‌نمایی^{۱۸}، خط زیرین و واژه^{۱۹}، کج ساختن قلم/ اریب‌نویسی^{۲۰} و نظایر آن صورت می‌پذیرد. ولی مهم‌تر از آن، انتخاب نکات کلیدی و مهم در متن است. این که نویسنده تا چه حد به مفاهیم اصلی پرداخته و به چه میزان انتخاب او در این بخش مؤثر بوده، خود قابل بررسی و تحلیل

روش پردازش مبانی و مباحث علمی در اثبات فرضیه^{۱۱}ها و نظراتی که نویسنده ارائه داده است، یکی دیگر از عوامل ارزشیابی منابع اطلاعاتی است. روشی که در اثبات اندیشه‌های مورد استناد مؤلف ارائه شده است، در واقع عاملی مهم در نقد محسوب می‌شود. اینکه نویسنده تا چه میزان توانسته است به اثبات و یا ابطال اندیشه‌ای بپردازد و از روش علمی در این مسیر بهره گرفته باشد، یکی از مؤلفه‌های اصلی در ساختار نقد منابع اطلاعاتی است. در این باره، می‌توان به بررسی بیشتر برخی از مستندات وی در رویکرد مورد استفاده او اشاره کرد و با سنجش عناصر خاص علمی در این زمینه، به تبیین وضعیت ایده و نگرش وی پرداخت.

بررسی استنادها

تحلیل استناد^{۱۲}ها و ارجاع^{۱۳}هایی که به منابع مختلف داده شده است، هم از نظر میزان صحت استناد، و هم اعتبار منبع، عنصری دیگر در نقد شمرده می‌شود. در استنادهای ارائه شده در متن، می‌توان به این دو عامل مهم توجه کرد. میزان اعتبار منابعی که نویسنده در اثر خود به آن‌ها استناد کرده است، معیاری مهم در سنجش کتاب محسوب می‌شود. هر چقدر استنادها به منابع معتبر علمی بیشتر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف در خلق

11. Hypothesis
12. Citation
13. Reference
14. Cut & paste
15. Key elements

16. Summary
17. Signing
18. Bold
19. Underline
20. Italic

ناقد است. همچنین ارائه چکیده از متن در ابتدای هر فصل کتاب و نیز نتیجه‌گیری در پایان آن فصل، از زمره عوامل مثبت در ارزیابی اثر به‌شمار می‌آید. برخی از نویسندگان معتبر در هر بخش از کتاب خود، در ابتدا خلاصه، و در انتها نتیجه‌گیری از مطلب خود را ارائه می‌دهند.

استفاده از شیوه‌های بیان دیداری

استفاده نویسنده از روش‌های بیان دیداری^۱ در توضیح اطلاعات ارائه شده، چون جدول، نمودار، نقشه، عکس، گراف و امثال آن، شاخصی دیگر در این عرصه است. باید توجه کرد که نویسنده به چه میزان و در چه قسمت‌هایی از اثر به این‌گونه از ابزارهای اثربخش تکیه کرده، و در نگارش خود از آن بهره گرفته است. در بسیاری از موارد، ارائه چنین راهبردهایی در متن به فهم و درک بیش‌تر خواننده یاری می‌رساند. همچنین استفاده بجا و صحیح از چنین روش‌هایی، رغبت خواننده را به مطالعه افزایش می‌دهد. نویسنده در برخی موارد و در موضوع‌های خاص، لزوماً باید از این چنین ابزارهایی بهره‌گیرد. کاربرد جدول و نمودار، یکی از شیوه‌های مهم بیان دیداری در آثار علمی است. در کنار آن، به‌کارگیری عکس‌ها و تصاویر نیز از اهمیت برخوردار است. در زمینه آثار مختلف رشته‌های گوناگون، هر یک از روش‌های بیان دیداری اطلاعات می‌تواند سودمند باشد. در آثار تاریخی، نقشه، و در تحقیقات مبتنی بر اسناد، نمونه سند حائز

اهمیت زیادی است. نگاره‌های تصویری، نمادها، نشانگرهای مختلف در آثار علمی، نقشی بسزا در درک بهتر متن برعهده دارند. استفاده بجا و متناسب از چنین راهبردهایی، می‌تواند یکی از امتیازهای مثبت اثر به‌شمار آید.

رعایت چارچوب منطقی در توضیح مباحث

ارائه مطالب در بخش‌ها و فصل‌ها با استفاده از چارچوب منطقی در شروع و توضیح کلیت بحث (مقدمه)، مطرح ساختن نکات اصلی، توضیح و بسط متناسب مطلب، و نتیجه‌گیری نهایی کتاب از مبحث ارائه شده، عامل دیگری در این حوزه است. نکته‌ای که در ساختار اثر باید به آن توجه داشت، این است که در متن مبتنی بر روش علمی، شروع بحث مؤلف با زمینه اولیه و توضیح دقیق فعالیت تخصصی او درباره موضوع موردنظر در کتاب آغاز می‌شود. فصل‌ها به ترتیب با تکیه بر نظم منطقی مبحث، بیان می‌شود و با حفظ رابطه ساختاری با موضوع به پیش می‌رود. هر بخش به موضوعی مربوط به خود پرداخته و از اختلاط مباحث با یکدیگر در بخش‌های مستقل اجتناب ورزیده است. به‌عبارت دیگر، توازن ساختاری کتاب از عوامل مثبت ارزیابی است.

میزان ارتباط بحث با طرح کلی اثر

تحلیل میزان ارتباط مباحث با ساختار از پیش طرح شده (چارچوب یا فهرست مندرجات) و رابطه متناسب میان آن‌ها، عامل بعدی

است. فهرست مندرجات، در واقع چارچوب بحث و فحص کتاب است. با مطالعه و بررسی فهرست مندرجات، می‌توان به ماهیت و سطح فعالیت حرفه‌ای در کتاب پی برد. نکته مهمی که در بررسی فهرست مندرجات وجود دارد؛ آن است که ممکن است فهرست مندرجات با انتخاب عنوان‌هایی برجسته و شاخص انتخاب شده، ولی متن متکفل چنین عنوان‌های شایسته‌ای نباشد. ارتباط نزدیک و صحیح میان فهرست مندرجات و متن کتاب نیز، از زمره عوامل مهم در نقد کتاب است. بخش‌بندی فصول در فهرست مندرجات، دلیلی بر شیوه اندیشه تخصصی مؤلف در حوزه خاصی بوده که در کتاب به آن پرداخته است.

تبیین رویکرد پدیدآورنده (گان) در نگارش
رویکرد^{۲۲} اصلی نویسنده (گان)، و روش به‌کار رفته در تحلیل و پردازش متن کتاب نیز، عنصری دیگر در ارزشیابی اثر محسوب می‌شود. بررسی موضوع تخصصی، در قالب روش پژوهشی متناسب با آن میسر است. در بررسی وضعیت کاربرد فن‌آوری اطلاعات در کتابخانه‌ای مشخص، می‌توان از مطالعه موردی^{۲۳} بهره گرفت. در حالی که برای سنجش وضعیت و کاربرد وبلاگ در کتابخانه‌های تخصصی، نیاز به استفاده از روش پیمایشی^{۲۴} داریم. بر همین اساس،

رویکردهای دیگری چون روش تاریخی^{۲۵}، تجربی^{۲۶}، پژوهش کیفی^{۲۷} و جز آن در انواع پژوهش‌ها و نگارش‌های علمی حائز اهمیت است. سنجش تناسب میان موضوع و روش مورد استفاده در اثر، می‌تواند عاملی سودمند در نقد کتاب شمرده شود. لذا ناقد می‌تواند به این نکته مهم در نقد خود اشاره کند و از آن در معیارهای ارزیابی کتاب بهره بگیرد.

بررسی سوگیری در متن

تحلیل سوگیری^{۲۸} نویسنده (گان) در پرداختن به مبحث مورد نظر، و این‌که تا چه اندازه در توضیح مباحث، بی‌طرفی و انصاف علمی رعایت شده نیز، از زمره معیارهای نقد است. بر همین اساس، توجه ناقد به شیوه بیان و تشریح مبانی و مسائل مطرح شده در اثر، می‌تواند به سنجش میزان بی‌طرفی علمی نویسنده در کتاب خود بینجامد. تأکید بیش از حد بر صحت و درستی نظریه و یا اندیشه‌ای نوین، می‌تواند تا حد زیادی دقت بیش‌تر ناقد را در بررسی اثر برانگیزد. این مقوله مهم، می‌تواند همواره در اندیشه ناقد به‌عنوان ملاکی مهم در قضاوت در باب منبع اطلاعاتی مدنظر قرار گیرد.

میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اثر

بررسی میزان تأثیرپذیری، و تأثیرگذاری آثار علمی مهم در آن حوزه تخصصی، عامل

22. Approach

23. Case study

24. Survey

25. Historical

26. Experimental

27. Qualitative research

28. Bias

بعدی است. تمامی آثار علمی و تخصصی، در پی تأثیرپذیری از آثار پیشین خود به رشته تحریر در می‌آیند. این فرایند حرفه‌ای، امری پذیرفته شده در مجامع علمی است. ساختار علم، همواره بر پایه‌هایی بنا می‌شود که سازندگان بی‌شماری در ساخت و پردازش آن دخیل بوده‌اند. میزان برخورداری از آثار علمی قبلی و همچنین تأثیری که اثر در زمینه حرفه‌ای و تخصصی مرتبط برجای می‌نهد، از زمره موارد اصلی در سنجش و تحلیل منبع به‌شمار می‌آید. برخی از آثار از نفوذی بی‌نظیر در زمینه فعالیت حرفه‌ای برخوردارند، و پاره‌ای از آن‌ها کم‌ترین تأثیر را بر جریان علمی رشته مربوط برجای می‌نهند، و بعضی نیز به نحوی متعادل در این عرصه به نقش مؤثر خود می‌پردازند. تعیین این جایگاه نیز، می‌تواند در نگارش‌های انتقادی مطرح شود.

جامع‌نگری متن

میزان جامع‌نگری در مبحث ارائه شده، و در عین حال شیوه‌های اثربخش توضیحی درباره اجزا و عناصر مهم موضوع تخصصی نیز، مؤلفه‌ای دیگر است. جامع‌نگری در این عرصه، اصطلاحی نسبی است. این ویژگی، باید در حد متعارفی در کتاب به کار گرفته شده باشد. اساساً هر اثر علمی که در حوزه‌ای تخصصی منتشر می‌شود، ضرورت دارد که ابعاد مرتبط با بحث مطرح شده را پوشش دهد. بی‌توجهی نویسنده (گان) به جنبه‌های خاصی که مرتبط با موضوع کتاب است و در نگارش اثر مطرح نمی‌شود، از زمره نکات منفی آن به‌شمار می‌آید. همان‌طور که اشاره

شد، این مقوله در زمینه مباحث مرتبط و ضروری در حوزه تخصصی مورد نظر بوده و این، امری است که در عرف نگارش‌های علمی، چه در پایان‌نامه‌ها و چه در کتاب‌ها و دیگر منابع معتبر نگارشی رعایت آن ضروری است.

اعتبار علمی اثر

میزان اعتبار علمی اثر در حوزه موضوعی که به آن تعلق دارد، و نگرش متخصصان مرتبط به آن، عاملی مهم در معیارهای انتقادی است. با انتشار هر اثر مهم تخصصی، توجه صاحب‌نظران و متخصصان آن رشته به سرعت به سوی آن جلب می‌شود. در این میان، برخی اظهارنظرهای عالمانه افراد صاحب‌نام، می‌تواند برای ناقد راهگشا باشد. اعتبار علمی هر اثر معمولاً در حیات حرفه‌ای یک رشته علمی به شکلی برجسته ظاهر می‌شود. اقبال صاحب‌نظران و متخصصان از منبع اطلاعاتی در فعالیت آموزشی و پژوهشی، دلیلی بر اعتبار و ارزش علمی آن است.

نتیجه‌گیری

در زمینه مؤلفه‌ها و عناصر مهم ارزشیابی و نقد علمی، باید اظهار داشت که میزان انطباق ساختار کتاب با مبانی مهم منابع علمی، عنوان متناسب با متن، حفظ تعادل و ارتباط منطقی میان بخش‌ها و فصل‌های کتاب، میزان ارتباط موضوع کتاب با مبانی علمی، حفظ یکپارچگی و وحدت موضوعی و تخصصی در کتاب، کاربرد روش پژوهشی مناسب، پرداخت مطلوب حول هسته اصلی و مفهوم کلی اثر، روش نگارش از لحاظ داشتن شیوه نوشتاری

فصیح، شروع توضیحی، پردازش متناسب، نتیجه‌گیری منطقی، بهره‌گیری از شیوه‌های استناد علمی، استفاده از ابزارهای کمکی تصویری در تفهیم مقصود، جامع‌نگری و میزان اعتبار علمی اثر، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر مبانی و زمینه تخصصی دانش مرتبط، داشتن منابع و مآخذ، نمایه، واژه‌نامه، پیوست‌های ضروری، و عناصر دیگری که در نگارش‌های علمی رعایت می‌شود، همه و همه می‌تواند در ارزیابی هر اثر تخصصی مورد ملاحظه قرار گیرد. از سوی دیگر، توجه به نکات مطرح شده در آثار ناقدان به شیوه‌های نگارشی متعددی جلوه می‌کند. برخی از ناقدان، در آثار خود به پاره‌ای از ملاک‌های مورد نظر اشاره می‌کنند و نیز ممکن است مواردی دیگر را بجز مؤلفه‌های یاد شده برشمارند. همچنین، ناقدان در شیوه‌های نگارش نقد علمی کتاب نیز بعضاً موارد نامبرده را با بیانی دیگر و به صورت کلی بیان می‌کنند. برخی نیز با درهم‌کرد پاره‌ای از مؤلفه‌ها، در چارچوب محدودتری به نگارش انتقادی دست می‌زنند. معیارهای پیشنهادی که در این نوشتار به آن‌ها اشاره شده است، می‌تواند در نقد علمی کتاب منظور شود و از فعالیت نگارشی ناقد پشتیبانی کند.

منابع

۱. پک، جان؛ کویل، مارتین. *روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی*. ترجمه سرورالسادات جواهریان. تهران: مروارید، ۱۳۸۲.
 ۲. پیری، دیوید. *چگونه نقد بنویسیم؟ (روش نوین نگارش رساله، نقد دانشگاهی؛ نقد تطبیقی و نقد هرمنوتیک و انواع نقد)*. ترجمه منیره احمدسلطانی. تهران: نشر روزگار، ۱۳۸۳.
 ۳. تادیه، ژان ایو. *نقد ادبی در قرن بیستم*. ترجمه مهشید نونهالی. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۸.
 ۴. دست‌غیب، عبدالعلی. *در آئینه نقد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۸.
 ۵. فرای، نورتروپ. *تحلیل نقد*. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۷.
 ۶. گرین، ویلفرد، و دیگران. *مبانی نقد ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر، ۱۳۸۵.
7. *The Cambridge history of literary criticism*. Vol. 1. Cambridge, UK; New York: Cambridge University Press, 1993.
 8. Habib, Rafey. *A history of literary criticism: from Plato to the present*. Malden, Mass. : Blackwell Pub, 2005.
 9. Ibid. *Modern literary criticism and theory: a history*. Malden, MA: Blackwell Pub, 2008.
 10. Harpham, Geoffrey Galt. *The character of criticism*, New York: Routledge, 2006.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۳/۶